

**The Critical assessment of *Al-Raeed fi ta'lim Al-lughah Al-'Arabiya* Series  
(Case study: *al- Ensha* book)**

Sajed Zare \*, Fatemeh Jamshidi \*\*

**Abstract**

The Composition skills as the latest language skills are important in teaching Arabic language, so far, researchers have focused on researchers and researchers in Iran. The results show that most students and students of Arabic language and literature face many difficulties in Composition in Arabic language. One of the effective factors in this issue is the lack of access to a perfect education which is based on the principles of language teaching. The present study is based on descriptive method and qualitative and critical analysis, has been evaluated from two aspects of form and content the book "Al-Raeed fi ta'lim Al-lughah Al-'Arabiya" for Dr fMasoud Fekri". The results show that due to increasing the proficiency of the learners, the precise and appropriate use of color in the design of the volume and layout of the book and Composition the text with clear and readable font is among the strengths of this resource. While the numerous selection of literary texts and the inclusion of some practices that do not conform to the language and cognitive level of students in Arabic language, they are considered weak points.

**Keywords:** Textbook, Textbook assessment; Composition skills; Teaching Arabic to non-Arabic speakers; Al-Raeed fi ta'lim Al-lughah Al-'Arabiya.

\* Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran, zare.sajed@yazd.ac.ir.

\*\* Graduated P.H.D in Arabic language and literature Yazd University, Yazd, Iran.

Date received: 2020-11-07, Date of acceptance: 2021-01-08

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ارزیابی انتقادی مجموعه الراءد فی تعلیم اللغة العربیة

### (مطالعة موردی کتاب الإنشاء)

ساجد زارع\*

فاطمه جمشیدی\*\*

#### چکیده

مهارت نگارش به منزله آخرین مهارت زبانی با وجود اهمیت بسزایی که در آموزش زبان عربی دارد، تاکنون در ایران نویسندگان کتاب‌های دانشگاهی و پژوهشگران کم‌تر بدان توجه کرده‌اند. چنانچه شواهد نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات عربی با مشکلات فراوانی در زمینه نگارش به زبان عربی روبه‌رو هستند. یکی از عوامل مؤثر در این امر، عدم دسترسی به منبع آموزشی کامل است که راهکارهای عربی‌نویسی براساس اصول آموزش زبان در آن ارائه شده باشد. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی و تحلیل کیفی و انتقادی، مجموعه الراءد فی تعلیم اللغة العربیة - کتاب الإنشاء تألیف مسعود فکری را از دو جنبه شکلی و محتوایی ارزیابی کرده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که توجه به افزایش توانش زبانی زبان‌آموز پس از مطالعه این کتاب و یادگیری و به‌کار بردن نکته‌های آموزشی آن، همچنین استفاده دقیق و مناسب از رنگ‌ها در طراحی جلد و صفحه‌آرایی آن و نگارش متن با قلم واضح و خوانا از جمله موارد قوت این کتاب است، در حالی که گزینش متون ادبی فراوان و درج برخی از تمرین‌ها که به دلیل عدم بسترسازی آموزشی لازم، با سطح علمی و شناختی زبان‌آموزان غیرگویش‌ور به زبان عربی همخوانی ندارد، از موارد ضعف آن به‌شمار می‌رود.

**کلیدواژه‌ها:** کتاب درسی، ارزیابی کتاب درسی، آموزش عربی به غیرعربی‌زبانان، الراءد فی تعلیم اللغة العربیة.

\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد، یزد، ایران، zare.sajed@yazd.ac.ir

\*\* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۹

## ۱. مقدمه

بررسی و کنکاش در شیوه تدوین کتاب‌های درسی یکی از نیازهای مهم و اساسی در دنیای معاصر است و این امر از رهگذر ارزیابی دقیق و همه‌جانبه این کتاب‌ها میسر می‌شود. پیش از اقدام به ارزیابی کتاب‌های درسی باید شناخت کافی و لازم از بخش‌ها و ساختار ظاهری و محتوایی آن‌ها داشته باشیم. به‌طور کلی کتاب درسی از بخش‌های مختلفی از جمله متن، تمرین و تصویر تشکیل می‌شود که همگی در راستای تحقق اهداف آموزشی تعیین شده قرار دارند. شیوه تدوین و چینش این بخش‌ها نقش بسیار مهمی در یادگیری آن‌ها دارد و عدم تناسب محتوای کتاب آموزشی با توانمندی‌های فراگیران، سبب کاهش کیفیت آموزش و در برخی موارد، سبب اختلال در این روند می‌شود؛ به همین دلیل بهتر است محتوای این گونه از کتاب‌ها متناسب با توانمندی‌های مخاطبان آن‌ها و نیز در راستای اهداف آموزشی موردنظر تدوین شود.

از آن‌جا که پژوهش حاضر در صدد ارزیابی یکی از کتاب‌های آموزشی در زمینه نگارش به زبان عربی است، یادآوری این امر ضروری است که تسلط بر مهارت نگارش در وهله نخست منوط به توانمندی در سایر مهارت‌های زبانی یعنی شنیدن، گفتن و خواندن است. توفیق در مهارت نگارش به زبان عربی، سبب افزایش دایره واژگان و بهبود شیوه‌های بیان می‌شود و به تدریج زمینه‌های لازم برای برقراری ارتباط با جهان عرب را فراهم می‌آورد.

«مهم‌ترین عوامل ضعف زبان‌آموزان در مهارت نگارش عبارت‌اند از مسائل خانوادگی، تربیتی، اجتماعی و روحی» (جبایب، ۲۰۱۱، ص. ۵)، اما ضعف دانشجویان در یادگیری این مهارت بیشتر از دو عامل نشئت می‌گیرد: «نخست عدم توانایی در تشخیص نقش کلمات برای قرار دادن آن‌ها در جای صحیح خود در جمله و سپس عدم آگاهی از برخی ساختارهای صرفی و یا ریشه کلمات جهت ساختن فعل‌ها و اسم‌های موردنظر و به‌کار بردن آن‌ها در متن» (الجنزوری و عبدالغنی، ۲۰۱۱، ص. ۷۹). از این رو، در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیل کیفی محتوا به ارزیابی انتقادی یکی از کتاب‌های دانشگاهی نگاشته شده در این زمینه در ایران با عنوان *مجموعه الراء فی تعلیم اللغة العربیة - کتاب الإنشاء* پرداخته شده است. کتاب مذکور از دو جنبه شکلی و محتوایی در ترازوی نقد و بررسی قرار گرفت تا پاسخ سؤالات پژوهشی ذیل تبیین شود:

۱. کیفیت کتاب از نظر شکلی چگونه است؟

۲. رویکرد آموزشی اتخاذ شده در متون، درس‌نامه‌ها و تمرین‌های کتاب در راستای تحقق اهداف آموزشی آن چگونه ارزیابی می‌شود؟

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر فرایند نقد و ارزیابی کتاب‌های آموزشی توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده و مقالات متعددی با هدف واکاوی نقاط ضعف و قوت این کتاب‌ها نگاشته شده است؛ برای مثال کیانی (۱۳۸۸) در مقاله «نقد ترجمه کتاب *جواهرالبلاغه*»، چنین استنتاج کرد که نقاط ضعف این کتاب در اشتباهات املائی و نحوی، کاربرد اشتباه علائم سجاوندی، وجود برخی جملات ناقص و نیز ذکر شواهد نامتناسب با فنون بلاغی موردنظر خلاصه می‌شود. دهقانیان و جمالی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی و نقد ترجمه و شرح مبادی العربیة ۴ (قسمت نحو) شرح سید علی حسینی» به واکاوی خطاهای موجود در این کتاب پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که این خطاها در سه دسته مربوط به قواعد، نگارش عبارت‌ها و نیز خطاهای موجود در ترجمه متون جای می‌گیرد. متقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل محتوی کتب قواعد اللغة العربیة فی مرحلة البكالوريوس لفرع اللغة العربیة وآدابها فی ضوء معايير الجودة» با بررسی موارد ضعف و قوت در دو کتاب آموزش زبان عربی یعنی *مبادئ العربیة* از رشید الشرتونی و *الجديد فی الصّرف والنحو* از ابراهیم دیباجی به این نتیجه رسیدند که هر دو کتاب براساس معیارها و روش‌های قدیمی تألیف کتاب آموزشی نوشته شده است و عدم توجه کافی به اهداف آموزشی و درج متون و تمرین‌های متناسب با مهارت‌های زبانی دانشجویان از عیوب آن‌ها به‌شمار می‌رود. محمدی رکعتی (۱۳۹۵) در مقاله «مجموعه "العربیة بین یدیک" فی ضوء مبادئ تعلیم اللغة لغير الناطقین بها» مزیت اصلی این کتاب را آوردن مفردات و تعابیر مختلف حسی و انتزاعی، استفاده از گفت‌وگوها با موضوعات متنوع و نیز استفاده از تمرین‌های متعدد برشمرد. همچنین انحصار فرهنگ عربی در فرهنگ دینی و عدم تناسب الفاظ و تعابیر جلد اول این کتاب با سطح دانش زبانی زبان‌آموزان ایرانی را از عیوب آن دانست. نتایج پژوهش محمدی رکعتی و زارع‌نژاد (۱۳۹۶) با عنوان «سطوح اهداف آموزشی در تمرین‌های مجموعه‌های آموزشی "صدی الحیاة" و "العربیة بین یدیک" (تحلیل محتوا براساس طبقه‌بندی اندرسون و کراتول در حیطة شناختی)» نشان داد که

تمرین‌های مندرج در هر دو کتاب به صورت استاندارد طراحی نشده و تمرکز آن‌ها بر سطوح آموزشی پایین یعنی «یادآوری»، «فهم» و «کار بست» است. با دقت در موارد مذکور چنین برمی‌آید که تاکنون پژوهشی با محوریت نقد و ارزیابی کتاب‌های آموزشی در زمینه مهارت نگارش عربی به رشته تحریر درنیامده است و مقاله حاضر از این جهت که به بررسی مجموعه آموزشی *الرائد فی تعلیم اللغة العربیة کتاب الإنشاء* پرداخته است، اقدامی نو به‌شمار می‌رود.

## ۲. ادبیات نظری پژوهش

### ۲-۱. کتاب درسی و ارزیابی آن

کتاب درسی به‌منزله نخستین و مهم‌ترین منبع در آموزش، تفاوت‌های خاصی با سایر کتاب‌ها دارد؛ از جمله اینکه گفته شده

کتاب درسی اثر چاپ‌شده‌ای است که برای یک دوره یا سال تحصیلی مهیا گردیده و دربردارنده حقایق و ایده‌هایی درباره یک موضوع خاص است. این کتاب ابزار اصلی یادگیری تلقی می‌شود که برای دستیابی به مجموعه خاصی از نتایج آموزشی طراحی و از متن، تصویر و یا متن همراه با تصویر تشکیل شده است (نوریان، ۱۳۹۳، صص. ۲-۳).

از این رو، می‌توان گفت کتاب‌های درسی به‌مثابه مهم‌ترین منابع آموزش و یادگیری در مدارس و دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و معلمان از آن‌ها به‌عنوان منبع اصلی محتوا، برنامه درسی و ابزار اصلی تدریس در تعیین و جهت‌دهی فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان بهره می‌برند. «در صورت نبود هرگونه اطلاعات از دیگر منابع موجود، کتاب درسی اغلب تنها منبع انتقال محتوا و اطلاعات آموزشی برای استادان است. وجود این کتاب‌ها برای آموزش مفاهیم و محتوا و القای مهارت‌های مورد نیاز برنامه درسی ضروری است» (قراگزلو و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲۳۶). در تعاریف جدیدتر «کتاب درسی تنها شامل اطلاعات نیست، بلکه در بردارنده فعالیت‌هایی است که برای دستیابی دانشجو به نتایج یادگیری ضروری می‌نماید» (Khutorskoi, 2006, p. 94). به عقیده اونیل «در تالیف کتاب‌های درسی توجه به نیازهای فراگیر بسیار حائز اهمیت است و با توجه به وقت و هزینه صرف‌شده در تهیه و تدوین آن‌ها، باید متناسب با نیازهای دانش‌آموزان و دانشجویان باشند» (neill, 1982, p. 109).

با توجه به اهمیتی که کتاب‌های درسی دارند، ضروری است که پیوسته مورد ارزیابی قرار گیرند تا قوت‌ها و معایب آن‌ها آشکار شود.

ارزشیابی کتاب‌ها و مواد آموزشی از اساس فعالیتی ذهنی و منحصر به فرد است و هیچ قاعده متقن یا چهارچوبی که به عنوان معیار ارزشیابی در همه شرایط مورد استفاده واقع شود و مورد وثوق همگان قرار گیرد وجود ندارد. با این حال، به علت اهمیت فزاینده کار ارزشیابی کتاب‌ها و مواد آموزشی، ارائه الگویی جامع و در عین حال مختصر و کاربردی که قابلیت انعطاف‌پذیری و تطبیق با شرایط گوناگون را داشته باشد همواره مدنظر متخصصان و کارشناسان امر تهیه و تدوین کتب درسی بوده است (محمودی و صفا، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۵).

به موازات اهمیت این منبع، واضح است که ارزیابی آن نیز باید با دقت و ظرافت زیادی صورت گیرد تا آموزش محتوای آن با بهترین کیفیت انجام شود.

### ۳. معرفی کتاب الرائد فی تعلیم اللغة العربیة

کتاب مورد بحث با نام الرائد فی تعلیم اللغة العربیة تألیف مسعود فکری در سال ۱۳۹۷ از سوی انتشارات «سمت» (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها) به زبان عربی چاپ شده است. این کتاب در سه جلد به رشته تحریر درآمده و از آنجا که قصد نویسنده، آموزش نگارش به زبان عربی است، ذیل عنوان اصلی کتاب، تعبیر «کتاب الإنشاء» قید شده است. جلد اول کتاب برای آموزش نگارش عربی در سطح مقدماتی است. در جلد دوم به آموزش این مهارت در سطح متوسط و در جلد سوم به این مهم در سطح پیشرفته پرداخته شده است. در این کتاب، نویسنده پس از درج فهرست مطالب و بیان مقدمه‌ای درباره معرفی مجموعه الرائد که کتاب حاضر یکی از بخش‌های شش‌گانه آن به‌شمار می‌رود، به محور اساسی، اهداف آموزشی و روش اتخاذ شده در آن اشاره کرده است. سپس در یک بخش جداگانه به نام «کتاب الإنشاء» به معرفی کامل کتاب مورد بحث می‌پردازد. در ادامه، رهنمون‌هایی برای مدرسان کتاب مطرح ساخته و در نهایت اهداف مربوط به هر یک از بخش‌های کتاب را یادآور شده است. هر جلد از این مجموعه شامل ۱۰ درس است که با متن درس آغاز می‌شود، سپس بخشی به نام «الحقل اللغوی» برای تثبیت معانی الفاظ و تعابیر موجود در متن آمده است. پس

از آن بخش «وقفه مع قواعد الإنشاء» به آموزش برخی فنون و راهکارهای مهم در یادگیری مهارت انشا اختصاص یافته است و در نهایت شاهد بخش «التدریبات» هستیم.

#### ۴. تحلیل شکلی کتاب

##### ۴-۱. طرح روی جلد

در نگاه نخست به جلد این کتاب، درج لوگوی دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup> در سمت راست و لوگوی سازمان مطالعه و تدوین کتب (سمت) در سمت چپ بسیار جلب توجه می‌کند و این اقدام به‌خوبی نشان می‌دهد که کتاب حاضر جنبه آموزشی دارد و برای تدریس در دانشگاه‌ها تألیف شده است. علاوه بر این، استفاده بجا و مناسب از رنگ‌هایی که بر روی جلد کتاب خودنمایی می‌کند، از دیگر عوامل جذابیت آن است. در طرح جلد اول کتاب، رنگ غالب بر زمینه، قرمز است که به‌صورت یک کادر مستطیلی شکل و ترکیبی از قرمز تیره و قرمز مایل به آجری‌رنگ به چشم می‌خورد. در سمت چپ این کادر، عدد مربوط به این جلد در یک قاب با زمینه نارنجی تیره نوشته شده و در قسمت بالا و سمت راست این کادر نیز نگاره‌ای سستی قرار دارد که ترکیبی از رنگ‌های آبی، سبز، نارنجی و زرد بسیار ملایم است. درج این نگاره به‌ویژه استفاده از رنگ نارنجی ملایم در بخش فوقانی آن و تناسبی که میان این رنگ‌ها وجود دارد، سبب جلب توجه خواننده می‌شود، زیرا هر یک از رنگ‌ها دلالت معنایی خود را دارند؛ برای مثال رنگ قرمز از نگاه روان‌شناسان، «رنگی زنده، پویا و عاملی برای دستیابی به پیروزی و شور و نشاط زندگی است» (معروف و باقری، ۱۳۹۱، ص. ۴۸۶) که «سبب تحریک اراده برای پیروزی، قدرت، رقابت و خلاقیت می‌شود» (لوچر، ۱۳۶۹، صص. ۸۶ - ۸۷). از این رو، می‌توان گفت استفاده از این رنگ به‌منزله طیف رنگی غالب در طرح جلد اول این کتاب و حواشی صفحات آن به‌خوبی توجه خواننده را جلب می‌کند و احساس اشتیاق وی را به خواندن این کتاب، بالا می‌برد.

نویسنده در جلد دوم این کتاب از رنگ بنفش استفاده کرده و برای کادر مستطیلی واقع در میانه طرح جلد، ترکیبی از دو رنگ تیره و ملایم برگزیده است. در سمت چپ بالای این کادر، عدد ۲ که شماره این جلد است، در قابی با رنگ زمینه بنفش ملایم نوشته شده و در نگاره سمت راست نیز ترکیبی از رنگ‌های آبی، سبز، نارنجی و زرد ملایم دیده می‌شود که



بخش فوقانی نگاره به رنگ بنفش و متناسب با رنگ غالب بر زمینه جلد است. «رنگ بنفش سبب تحریک برخی از حالات درونی از جمله خودآگاهی، هوشیاری معنوی و خلاقیت در انسان می‌گردد و وی را به سمت و سوی آرمان‌گرایی، نظریه‌پردازی، آینده‌نگری و نوآوری سوق می‌دهد. رنگ بنفش، هم حالت هیجانی رنگ قرمز را دارد، هم حالت آرامش رنگ آبی را» (حدادگر، ۱۳۹۰، صص. ۱۸۲-۱۸۹). به همین دلیل، می‌توان گفت استفاده از رنگ بنفش در طرح جلد این کتاب و نیز حواشی صفحات آن به خوبی هوش، قدرت تخیل و خلاقیت زبان‌آموزان را به سمت و سوی محتوای آموزشی جلب می‌کند.

اما در مورد جلد سوم، از رنگ آبی به‌منزله رنگ غالب در طراحی جلد استفاده شده است و عدد مربوط به شماره جلد را در کادری با رنگ سبز ملایم در سمت چپ نوشته و در سمت راست نگاره‌ای با رنگ‌های آبی، سبز، سفید و نارنجی ملایم درج شده است. رنگ غالب بر این نگاره نیز آبی است و با رنگ اصلی طرح جلد، هم‌سویی دارد. از آن‌جا که «رنگ آبی انسان را به سوی دقیق شدن سوق می‌دهد» (مقدسی، ۱۳۷۲، ص. ۵۵)، باید گفت کاربرد رنگ آبی در طرح این جلد از کتاب به‌نوبه خود سبب دقیق شدن زبان‌آموزان و تمرکز آن‌ها بر محتوای کتاب می‌شود.

در پشت جلد کتاب نیز از همان رنگ غالب بر روی جلد استفاده شده و معرفی جامع و در عین حال مختصری از کتاب و اهداف آن ارائه شده که این امر، بسیار ضروری و پسندیده است، زیرا دورنمایی کلی و واضح از آن فراروی زبان‌آموزان ترسیم می‌کند. همچنین، در پشت جلد در بالای صفحه تصویر سه جلد از کتاب با رنگ سفید و قهوه‌ای کم‌رنگ درج شده و از میان آن‌ها تصویر مربوط به جلد موردنظر با اندازه بزرگ‌تری برجسته شده است.

#### ۲-۴. عنوان کتاب

عنوان هر کتاب به‌مثابه شاه‌کلیدی است که خواننده به محض دیدن و تأمل در آن می‌تواند اطلاعات کامل و مناسبی از محتوا و اهداف آن کتاب کسب کند. حال اگر خواننده قصد تحلیل و ارزیابی کتاب را نیز داشته باشد، هیچ عنصری به اندازه عنوان نمی‌تواند در این روند به او کمک کند، چراکه «عنوان در حقیقت یک یا چند لفظ محدود است که بر معانی فراوانی دلالت دارد و دورنمایی از ابتدا، انتها و جوهر اصلی کتاب ارائه می‌دهد» (کعوان، ۲۰۰۱، ص. ۲۷۴). عنوان برگزیده برای این کتاب، «الرائد فی تعلیم اللغة العربیة» است که لفظ «الرائد» با قلم

درشت‌تری نسبت به سایر الفاظ نوشته شده و این اقدام بیانگر تأکید بر این واژه و دلالت معنایی آن است. کلمه «الرائد» در لغت به معنای «پیشرو و پیشگام» (مجموعه نویسندگان، ۱۴۲۷ق، ذیل «ورد») است. در قسمت پایین طرح جلد نیز نویسنده با تعبیر «کتاب الإنشاء» و درج مجدد شماره جلد و نیز سطح آموزشی کتاب، به تبیین بیشتر آن پرداخته است. با این بیان انتظار می‌رود که کتاب مورد بحث به منزله منبعی پیش‌رو در آموزش زبان عربی باشد و به کشف و ارائه راهکارهای مهم و اساسی برای تقویت این مهارت زبانی بپردازد. با نگاهی اجمالی به محتوای کتاب، چنین می‌نماید که آموزش تدریجی مهارت نگارش عربی از سطح مقدماتی (جلد اول) تا سطح پیشرفته (جلد سوم) مدنظر نویسنده بوده که در مقدمه کتاب نیز به این موضوع اشاره شده است.

#### ۳-۴. کیفیت کاغذ و صفحه‌آرایی

کتاب حاضر در قطع رحلی به چاپ رسیده است. کیفیت کاغذ آن چه از جهت ضخامت و چه از جهت رنگ، بسیار مناسب و مطلوب ارزیابی می‌شود. استفاده از حواشی متناسب با رنگ جلد کتاب نیز همان تأثیر روانی و انگیزشی مرتبط با طرح جلد را در زبان‌آموزان تقویت می‌کند. علاوه بر آن، جدا کردن تمرین‌های هر درس با استفاده از خطوط عریض و منقوش علاوه بر اینکه سبب انسجام و تقسیم‌بندی دقیق تمرین‌ها شده، بر جذابیت صفحه‌آرایی کتاب نیز افزوده است. نکته‌ای که در مورد سرصفحه‌های کتاب جلب توجه می‌کند آن است که هم در سرصفحه‌های زوج و هم در سرصفحه‌های فرد، شماره درس مورد نظر نوشته شده است، در حالی که در کتاب‌های چاپ شده از سوی انتشارات «سمت» نام کتاب در سرصفحه‌های زوج و شماره و نام درس مورد نظر در سرصفحه‌های فرد نوشته می‌شود و بایسته است که عنوان کتاب در سرصفحه‌های زوج درج شود. نکته دیگر این است که اصولاً شماره‌گذاری کتاب‌ها از صفحه مقدمه شروع می‌شود و صفحات پیش از آن با حروف ابجد مشخص می‌شود، در صورتی که در هر سه جلد این کتاب، صفحه مربوط به عنوان کتاب تا صفحه فهرست مطالب، در شماره‌گذاری مدنظر قرار گرفته است که از جمله عیوب آن به‌شمار می‌رود.

#### ۴-۴. کیفیت نگارش حروف و واژگان

##### ۴-۴-۱. حروف‌نگاری و حرکت‌گذاری واژگان

حروف و واژگان مندرج در کتاب با قلم Adobe Arabic و متناسب با متون عربی نگاشته شده است. کیفیت چاپ آن نیز از نظر وضوح و اندازه‌واژگان در حد مطلوب ارزیابی می‌شود، اما تنها در موارد بسیار انگشت‌شماری شاهد حرکت‌گذاری الفاظ هستیم که این امر می‌تواند از موارد ضعف آن به‌شمار رود، به‌ویژه در جلد اول که برای زبان‌آموزان مبتدی در نظر گرفته شده است.

##### ۴-۴-۲. کیفیت کاربست قواعد صرفی و نحوی

از دیگر مواضع قابل نقد در کتاب حاضر، پاره‌ای اشتباهات صرفی در نگارش کلمات است که بیشتر در نگارش همزه قطع و وصل، پایه همزه و حرف ی و الف مقصوره، اهمال در درج برخی حروف و کاربرد نادرست نشانه‌های سجاوندی به چشم می‌خورد. در جدول ۱ به نمونه‌هایی از آن اشاره شده است:<sup>۱</sup>

جدول ۱: خطاهای نگارشی مندرج در کتاب

نگارش همزه		درج تشدید		سایر حروف و علامت‌ها	
نادرست	درست	نادرست	درست	نادرست	درست
بناءً (۷/۱)	بناءً	كأنه (۱۶/۱)	كأنه	الرئيسية (۱۴/۱)	الرئيسية
ثلاثة (۱۲/۱)	ثلاثة	ينلقى (۱۶/۱)	ينلقى	النهائي (۱۴/۱)	النهائي
انثوائي (۱۳/۱)	انثوائي	حتى (۱۶/۱)	حتى	أيضاً (۱۴/۱)	أيضاً
أذكر (۱۷/۱)	أذكر	مكياً (۱۶/۱)	مكياً	يعني (۱۷/۱)	يعني
إتباعاً (۲۲/۱)	إتباعاً	تندقق (۱۶/۱)	تندقق	المشرفة (۱۷/۱)	المشرفة
إنشاءً (۲۳/۱)	إنشاءً	عنا (۱۷/۱)	عنا	الإداري (۳۷/۱)	الإداري
إيضم (۲۶/۱)	إيضم	أن (۱۷/۱)	أن	قائماً (۴۶/۱)	قائماً
إبساماً (۲۶/۱)	إبساماً	كألياً (۱۷/۱)	كألياً	اسماً (۶۱/۱)	اسماً
إستخرج (۲۷/۱)	إستخرج	فإنما (۱۷/۱)	فإنما	بني (۷۳/۱)	بني
فالإنلام (۲۷/۱)	فالإنلام	لا بد (۱۷/۱)	لا بد	الشيوية (۷۳/۱)	الشيوية
تخصصاً (۲۸/۱)	تخصصاً	إن الخيال (۱۸)	إن الخيال	واقع (۸۰/۱)	واقع
إنحى (۳۰/۱)	إنحى	لا يقل (۲۳/۱)	لا يقل	يسعى (۸۰/۱)	يسعى
إنقاد (۳۱/۱)	إنقاد	صححها (۲۳/۱)	صححها	!	!
الإنكار (۳۳/۱)	الإنكار	تصرفوا (۲۶/۱)	تصرفوا	كثيراً	كثيراً
إنتهت (۳۳/۱)	إنتهت	التأخر (۲۸/۱)	التأخر	الخيرة (۲۷/۲)	الخيرة
الإقتضادية (۳۶/۱)	الإقتضادية	أما (۲۹/۱)	أما	في / تساعد (۶۶/۲)	في / تساعد
إنطلاقاً (۳۶/۱)	إنطلاقاً	تعريف (۳۹/۱)	تعريف	للتصوص الأصلية (۷۱/۲)	للتصوص الأصلية
إنحقق (۳۶/۱)	إنحقق	صيباً (۷۰/۱)	صيباً	انتهأاً (۱۶/۳)	انتهأاً
إعقداً (۳۶/۱)	إعقداً	رتب (۴۳/۱)	رتب	معمى (۳۰/۳)	معمى
الاجتماعي (۳۷/۱)	الاجتماعي	إن عملية (۸۲/۱)	إن عملية	بين قرون (۳۲/۳)	بين قرون
اطلّع (۳۸/۱)	اطلّع	مدرسة (۹۲/۱)	مدرسة	السعادة (۷۰/۳)	السعادة
يتلأم (۳۸/۱)	يتلأم	ذكرنا أن (۱۰۲)	ذكرنا أن	يُعتبر المفعول المطلق حالة (۴۳/۳)	يُعتبر المفعول المطلق حالة

در ارتباط با خطاهای نحوی نیز می‌توان به استفاده نادرست از ضمائر، اسم‌های اشاره، مفرد و جمع بودن اسم‌ها، علامت‌های رفع و نصب و جر اشاره کرد؛ برای مثال، در صفحه ۱۶ از جلد اول در عبارت «تلك الوادی» استفاده از اسم اشاره مؤنث نادرست است و می‌بایست «ذلک» به جای آن قرار گیرد. در صفحه ۱۸ از جلد اول در عبارت «يعرف به جميع المعانی والتألیف بینهما» با در نظر گرفتن مرجع ضمیر که واژه «المعانی» است، می‌بایست به صورت «بینها» نگاشته شود. همچنین در صفحه ۳۹ از جلد اول (پاراگراف دوم)، با توجه به اینکه مرجع ضمیر «ه» در عبارت «ترکیبه»، واژه «الفاظ» است، باید این ضمیر به صورت مؤنث نگاشته شود. در صفحه ۱۰۲ از جلد اول در عبارت «هی إن استخدام هذه المفاعیل کالتممات للجملة...» باید به جای «إن» از «أن» استفاده شود، زیرا جمله «أن استخدام هذه المفاعیل...» در نقش خبر و مرفوع قرار دارد و در آن کاربرد «أن» صحیح است (ابن عقیل، ۱۴۲۹ق، ج. ۱/ص. ۳۱۱). در صفحه ۱۰۲ از جلد اول در سطر یازدهم عبارت «تنقسم هذه الحروف إلى الأصلی والزائد» دو کلمه «الأصلی» و «الزائد» صفت برای موصوف محذوف یعنی کلمه «الحروف» هستند. از این رو، بهتر است به صورت مؤنث نوشته شوند: «الأصلیة والزائدة». در صفحه ۵۴ از جلد دوم ذیل تمرین شماره ۶ عبارت هفتم یعنی «هل من واجبات الأمّ أن یربین أبناءهنّ علی الشجاعة والتضحیة»، با توجه به استفاده از فعل «یربین» و ضمیر «هنّ» می‌بایست جهت ایجاد مطابقت، باید مرجع ضمیر به حالت جمع مؤنث «الأمّهات» تغییر یابد. همچنین در صفحه ۱۱۱ از جلد دوم، واژه «نوعان» در جمله «وهی علی نوعان» با توجه به اینکه در جایگاه مجرور به حرف جر قرار دارد، می‌بایست به صورت «نوعین» نوشته شود. در صفحه ۵۳ از جلد سوم در جمله «أما اصطلاحاً فهو الربط بین لفظین سواء كانا أفعال أو أسماء أو جمل» از یک سو سه لفظ «أفعال»، «أسماء» و «جمل» در حالت منصوب قرار دارند و باید تنوین نصب بگیرند و به صورت مثنی نیز به کار روند، زیرا خبر برای «كانا» هستند. همچنین با توجه به اینکه واژه «جملة» که مفرد «جمل» است، مؤنث است و از نظر جنس با «لفظین» تناسب ندارد، ضروری است که این عبارت به صورت «أما اصطلاحاً فهو الربط بین لفظین سواء كانا فعلین أو اسمین أو بین جملتین» نوشته شود و عبارت «أو بین جملتین» عطف بر «فهو الربط بین لفظین» در نظر گرفته شود. همچنین، در صفحه ۱۰۴ از جلد سوم در عبارت «يجب أن يتمّ

تدوین اسم صاحب الرسالة کاملاً، حتی لا یُصبح غموض أو التباس فی اسم المرسل» دو واژه «غموض» و «التهاس» در جایگاه خبر «یصبح» قرار دارند؛ لذا باید با تنوین نصب نوشته شوند، هرچند پیشنهاد می‌شود به جای «یصبح» افعالی مانند «یُحدِث» یا «یوجد» جایگزین شود.

#### ۵-۴. فهرست‌ها

##### ۱-۵-۴. فهرست مطالب

هر جلد از کتاب مورد بحث متشکل از ده درس است که شماره صفحه، نام و شماره هر درس و آن دسته از مقوله‌های مربوط به قواعد نگارش که مؤلف به دنبال آموزش آنهاست، در فهرست مطالب ذکر شده است. اصولاً بهتر است شماره و نام درس ذکر شود و در مقابل، شماره صفحه مربوط به آن درج شود، اما در فهرست مطالب این کتاب، ابتدا شماره درس، سپس شماره صفحه و در ادامه عنوان هر درس قید شده است. در ستون آخر نیز قواعد نگارشی مندرج در آن درس، ذکر شده است. به نظر می‌رسد که بخش آخر یعنی اشاره به قواعد و مقوله‌های مربوط به آموزش نگارش در بخش فهرست مطالب، غیرضروری و تا حدودی مبهم و کلی است. از این رو بهتر است که یا عنوان‌های مندرج در ستون چهارم حذف شود یا آن دسته از قواعد و مقوله‌های کاربردی مربوط به آموزش نگارش که در متن کتاب و ذیل این عنوان‌های کلی بررسی شده است، به‌صراحت ذکر شود.

##### ۲-۵-۴. فهرست منابع و شیوه ارجاع‌دهی

در پایان هر سه جلد کتاب مورد بحث، نویسنده ۲۶ منبع را با مشخصات کامل و به‌منزله منابع پیشنهادی برای بررسی و تدریس مهارت نگارش ذکر کرده است. نکته قابل توجه این است که نویسنده در این کتاب به‌صراحت بیان نکرده که آیا متن‌ها و تمرین‌ها را از سایر منابع اخذ کرده یا اینکه همگی برخاسته از ذهن و قلم خود وی است. همچنین، عدم ذکر مشخصات کامل منابعی که متون برخی از درس‌ها از آنها گرفته شده است (ازجمله آثار می‌زیاده، توفیق‌الحکیم، جبران خلیل جبران و ...) از دیگر موارد ضعف در این زمینه به‌شمار می‌رود. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پایان کتاب، بخشی به فهرست منابع اختصاص یابد که متون کتاب از آنها استخراج شده است تا علاوه بر رعایت کامل اصل امانت‌داری، برای

دانشجویان و زبان‌آموزان این امکان فراهم شود که در صورت تمایل به این منابع مراجعه کنند و با متون بیشتری آشنا شوند.

## ۵. تحلیل محتوایی کتاب

در سده‌های اخیر نقد کتاب‌های درسی از کارهای رایجی است که در کشورهای پیشرفته انجام می‌شود و مقالات مربوط به این حیطة نوعی تألیف به‌شمار می‌روند که به‌صورت مختصر ارزیابی انتقادی محتوای کتاب را بر عهده دارند (آصف‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۶). «محتوا عبارت است از مجموعه مفاهیم، اصول، مهارت‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌هایی که از سوی برنامه‌ریزان و به قصد تحقق اهداف، انتخاب و سازماندهی می‌شود و از این رو لازم است که با اهداف آموزشی مشخص شده تناسب داشته باشد» (متقی‌زاده، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۹). به‌طور کلی هر جلد از کتاب موردبررسی در این پژوهش، به چهار بخش اصلی متن درس‌ها، تمرین‌های مربوط به واژگان، اصول و قواعد مربوط به نگارش و تدریبات تقسیم می‌شود. در ذیل به‌طور جداگانه به تحلیل محتوایی هر یک از این بخش‌ها پرداخته شده است.

### ۱-۵. تحلیل محتوای متن درس‌ها

با توجه به اینکه بر اساس آنچه روی جلد اول کتاب نوشته شده این جلد در سطح مقدماتی (القسم التمهيدي) نگاشته شده است، گروه هدف و مخاطبان اصلی آن، زبان‌آموزان مبتدی و ناآشنا یا کم‌تر آشنا به ساختارها و واژگان زبان عربی هستند و بهتر است برای تسهیل امر آموزش، قبل از متن هر درس بخشی با عنوان «الألفاظ والتعابير» افزوده شود تا معنای واژگان یا تعابیر جدید و پرکاربرد موجود در متن، برای زبان‌آموزان روشن شود. علاوه بر این، انتخاب متون ادبی که غالباً سرشار از واژگان و ساختارهای خاص - و در برخی موارد دشوار - هستند، برای زبان‌آموز مبتدی مناسب به‌نظر نمی‌رسد؛ برای مثال انتخاب واژه «المدهمة» در عبارت «الليالي المدهمة» (فکری، ۱۳۹۷: ۱/ ۲۶) متناسب با سطح زبان‌آموز نیست و بهتر است واژه ساده‌تر و پرکاربردتری مثل «المظلمة» به جای آن استعمال شود. همچنین در متن درس دوم از جلد اول کتاب با عنوان «شرقنا الجميل» در جمله «انحنى الفينيقيون على الأرض، فشقوا أديمها...» (همان) از واژگان و عبارتهای ادبی ثقیل استفاده شده است. به‌طور کلی رویکرد غالب

بر ساختارهای زبانی به‌کار رفته در متن درس‌ها در هر ۳ جلد کتاب، رویکردی ادبی است که به‌صورت پراکنده در درس‌های مختلف نمایان است. برای تبیین بیشتر این موضوع، به مثال‌های جدول ۲ اشاره می‌شود:

جدول ۲: پراکندگی ساختارهای زبانی ثقیل و ادبی در متون کتاب

درس	جلد اول	جلد دوم	جلد سوم
درس ۲	- كان البحر قبل الفينيقين عصياً - الفينيقيون لمساو الصخر فلبى صاغراً وحدقوا إلى المناصر ...	- أقدمت عن التدخين ولكن بعد أن دفعت ضريبة صحية لا تقدر بئس ماذي مها علا وغلا	- كان مثقلاً بالفقر، متخياً بالهم، مشبعاً بضنك العيش عاش عمر البنفسجة دون أن يمنع ممطياته عن طالب كثر في اللغة
درس ۴	- الحربُ تزوع الموت خيط عشواء - وبقي كَسَّخ الحرب قائماً يقش المضاجع ويخيم فوق رؤوس البشر بنويه الأسود البغيض	- في وسع الأم أن تفرس في نفوس أبنائها هذه القيم الفاضلة مع لبائهم فينشئوا مَسْمِين بسياء الحب والنفاني والتملئ بكل حبة تراب في الوطن	- وقد توطدت علاقتي معهم على نحو وجداني شبيهاً لغورهم وعلاجاً لمرگب النقص فيهم - فأوحي إليهم باستحالة البعد عن لذتي
درس ۶	- قال: إنه ابن امرأة فقيرة، دأبت على تحمله كل صباح سلة مملوءة فطيراً كي يبيعها في السوق	- حين كان النهار يجب أن يطوى في سمعي لبحس الصبية - والأصوات التي كادت تستوفي حظها من الامتلاء	- في رحاب أيامه المشرقة بالفرح، وليلابه العامرة بالسعادة يتلاقى الصديق مع صديقه - ويتألق النواصل الإنساني القائم على..
درس ۸	- ذلك واجب المدرسة الأول؛ تعلّمتنا حبّ القراءة ومزّن عضلاتنا على هضم أغذية العقل ثمّ تدفّنا إلى الحياة نستردّ ثمرات الذهن	- أما غداً فستتوهج الشمس في كبد السءاء وتعود الأرض خضراء سندسية - وجد أمانه كلياً قد اكتنز لحياً وشجماً ومهدل صدره سمناً ودهناً	- نبت في كلّ أفق شجرة، ترقص أغصاناً على حفيف أوراقها الخضراء - وتبددت في الأفاق أنفاسها المنهبة نغماً على ما افترقته أيديها
درس ۱۰	- الشواطئ التي هي مورد رزق غدت مكباً للنفايات ومصعباً للمجاري وبهذا نقول إن الثروة السميكة مهتدة من تلوث البحار	- واللصوص مضوا يتفقون فيما بينهم على تقسيم بلادنا وتقطع أوصالها... فحنثوا بوعدهم، وملتصوا من الوفاء بوعدهم بلا وازع من دين أو راع ...	- كنت أستعرض الأحداث في حياتي وأسال النفس عما تحبته الأيام المقبلة وفيها إذا كنت على قبوي القيام بهذه الرحلة

توجه به سطح توانمندی ذهنی (شناختی) زبان‌آموزان یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های محتوای کتاب‌های آموزش زبان به‌شمار می‌رود. در این راستا و در زمینه محتوای آموزشی مرتبط با پیشبرد مهارت نگارش عربی یکی از فاکتورهای مهم این است که زبان‌آموز اطمینان حاصل کند که مدل نوشتاری خوبی در دسترس دارد، به گونه‌ای که بتواند با آن ارتباط برقرار سازد. این ارتباط زمانی محقق می‌شود که بین سطح ساختار زبانی محتوا و سطح شناختی وی تفاوت زیادی نباشد، زیرا در غیر این صورت براساس آنچه «تاملینسون» از «هایلند» نقل

می‌کند، «این احتمال وجود دارد که به مرور زمان از توانمند شدن در الگوبرداری از ساختارهای زبانی متونی که در کتاب با آن مواجه است، دلسرد شود» (Tomlinson, 2014, p. 396). در نتیجه امکان ایجاد بستر مناسب برای آموزشی پویا و ارتباطی اثربخش میان زبان‌آموز و متن ازین می‌رود و یا به کم‌ترین حد خود می‌رسد.

با توجه به داده‌های مندرج در جدول ۲، به نظر می‌رسد این گونه عبارت‌ها برای کلاس‌های تدریس متون ادبیات عربی و نه نگارش به زبان عربی کاربرد بیشتری داشته باشد یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت، برای آموزش زبان‌آموزان متوسط و پیشرفته مناسب است. بنابراین، در انتخاب برخی از متون با در نظر گرفتن سطح شناختی و زبانی زبان‌آموزان دقت و توجه کافی نشده است. همچنین، با توجه به آنچه روی جلد هر سه کتاب درج شده است، این انتظار می‌رود که از نظر سطح دشواری و پیچیدگی ساختارهای زبانی، در متن درس‌ها، سلسله‌مراتب منطقی از سطح آسان به دشوار وجود داشته باشد، به گونه‌ای که محتوای جلد اول به شکل ساده ارائه شده باشد تا به‌منزله پیش‌زمینه‌ای برای ورود به جلد دوم باشد و به همین شکل تا جلد سوم ادامه یابد، اما این مشخصه نه‌تنها در محتوای این مجموعه نمود پیدا نکرده است، بلکه حتی ارائه تدریجی و زنجیره‌وار مطالب در درس‌های هر یک از کتاب‌ها نیز به چشم نمی‌خورد.

علاوه بر موارد ذکر شده، یکی از مهم‌ترین جوانب ضعف در محتوای کتاب، عدم استفاده از تصاویر در لابه‌لای متون و تمرین‌هاست. به‌طور کلی هر محتوای آموزشی پویا با استفاده از ابزارهای مختلف دارای مشخصه تنوع و برجسته‌سازی مطالب است که تصویر از جمله عوامل مؤثر در برجسته‌سازی این محتوای آموزشی و درگیر کردن آن با ذهن زبان‌آموز به‌شمار می‌رود، چرا که «تصویر به‌عنوان یکی از ابزارهای بصری آموزش، می‌تواند از طرفی سبب افزایش ارتباط مؤثر بین محتوا و مخاطب گردد و از سوی دیگر یادگیری زبان را برای زبان‌آموزان آسان‌تر کند» (Jahangard, 2007, p. 139).

## ۲-۵. تحلیل محتوای کتاب بخش «التحلیل الإنشائی للنص»

نویسنده کتاب ذیل متن هر درس، در یک پاراگراف با عنوان «التحلیل الإنشائی للنص» به توصیف درون‌مایه متن، برخی از ساختارهای زبانی موجود در آن و در مجموع به تحلیل مختصری از روش نوشتاری اتخاذ شده پرداخته است. حال سؤال اینجاست که توصیف



درون‌مایه محتوایی و تحلیل ساختارهای زبانی هر متن تا چه حد می‌تواند زبان‌آموزان را در فرایند آموزش نگارش یاری رساند؟ در ارتباط با توصیف و تشریح درون‌مایه محتوایی با توجه به اینکه این امر در راستای رمزگشایی و تبیین بیشتر اندیشه (الفكرة: Idea) یا مضمون کلی متن قرار دارد، لذا در تسهیل انتقال پیام به زبان‌آموز و ایجاد بستر برای ارتباط بیشتر وی با متن قابل‌تحسین است. اما تبیین کیفیت روش نوشتاری اتخاذشده و هدف از انتخاب متن و نیز ماهیت آن رابطه مستقیمی با آموزش مهارت نگارش زبان عربی به زبان‌آموزان غیرعربی‌زبان ندارد، زیرا اگر قرار است متنی ادبی به‌عنوان محتوای درس نگارش مورد استفاده قرار گیرد با توجه به سطح توانش زبانی مخاطب، به چنین متونی باید به‌مثابه ابزار نگریست؛ ابزاری برای بهبود توانش زبانی نه هدف به‌منظور بهبود توانش ادبی که می‌توان آن را در درس‌های متون دنبال کرد.

### ۳-۵. تحلیل محتوای تمرین‌های واژگان؛ بخش «الحقل اللغوی»

«الحقل اللغوی» نخستین بخش تمرین‌های کتاب به‌شمار می‌رود که زبان‌آموز بلافاصله بعد از متن درس‌ها با آن روبه‌رو می‌شود. در این بخش که در همه درس‌ها با رویه مشابهی طراحی شده، سه فعالیت از زبان‌آموز خواسته شده است؛ در بخش نخست تعدادی از واژگان به‌کار رفته در متن ذکر شده و در مقابل هر کدام، یک جای خالی برای واژگان مترادف گذاشته شده است. با توجه به اینکه بسیاری از مخاطبان کتاب در سطح مبتدی یا متوسط هستند، لذا اینکه بتوانند برای این واژگان، معادل عربی ذکر کنند، کمی دور از انتظار است و برای یافتن واژگان مترادف به‌ناچار یا از کسانی که آشنایی بیشتری به زبان عربی دارند، می‌پرسند و یا به فرهنگ لغت مراجعه می‌کنند که هر دو اقدام، فاقد پویایی است، زیرا معادل آن واژه به‌صورت کتابخانه‌ای و جدای از ساختار زبانی کشف و بررسی شده است.

بخش دوم این تمرین‌ها به یافتن واژگان مفرد و جمع موجود در متن اختصاص دارد. با توجه به اینکه از زبان‌آموز خواسته شده که در درون متن به جست‌وجوی واژگان بپردازد، بنابراین هر واژه را در ساختار و بافت متن می‌یابد و با این اقدام، فعالیتی پویا در کلاس رخ می‌دهد. چنانچه در مقدمه کتاب نیز اشاره شده است، فعالیت کلاسی نقش بسزایی در تحقق اهداف آموزشی و پیشبرد روند تدریس کتاب دارد، به همین دلیل مشارکت زبان‌آموزان و مساعدت مدرس به آن‌ها در یافتن و استخراج واژگان مفرد و جمع از متن و تبدیل واژگان

از حالت مفرد به جمع و برعکس، سبب می‌شود که این تمرین با سطح شناختی/ذهنی زبان‌آموزان همسو شود.

در بخش سوم نیز از زبان‌آموز خواسته شده که با مراجعه به متن درس و با الگوبرداری از ساختارهای زبانی موجود در آن برای هر یک از افعال ذکر شده در تمرین، یک حرف جر مناسب ذکر کنند. از آنجا که پاسخ‌گویی به این تمرین نیز با اتخاذ رویکردی اکتشافی در متن حاصل می‌شود، از این رو، کاملاً پویا و اثربخش ارزیابی می‌شود.

#### ۴-۵. تحلیل محتوای بخش «وقفه مع قواعد الإنشاء»

در هر یک از درس‌های مجموعه کتاب‌های «الرائد» بخشی با عنوان «وقفه مع قواعد الإنشاء» وجود دارد. در این بخش به‌طور کلی بر اساس دو رویکرد به تشریح مطالبی در زمینه نگارش عربی پرداخته شده است که می‌توان آن را به «رویکرد نظری» و «رویکرد عملی» تقسیم کرد. در بخش نظری، نویسنده به مفاهیمی از قبیل: «الإنشاء»، «التعبير وأنواعه وأهميته في اللغة»، «عناصر اللغة وشكلها»، «توجيهات عامة في الإنشاء»، «مراحل الكتابة»، «أساليب الكتابة ومهاراتها»، «علامات الترقيم» و «فنون الإنشاء» پرداخته است. مفاهیم مذکور ماهیتی نظری دارد و هرچند با ارائه چشم‌اندازی کلی مخاطب را با نگارش عربی آشنا می‌سازد، اما تأثیر چندانی در فرایند تولید ساختارهای زبانی توسط زبان‌آموز ندارد.

افزون بر این مطالب، نویسنده در بخش عملی با ذکر مثال‌های فراوان به معرفی برخی از مهم‌ترین ساختارهای موجود در زبان عربی پرداخته است که شامل «عناصر الجملة وأركانها»، «أنواع المفاعيل»، «اقسام حروف الجر»، «الروابط في العربية» و «أساليب اللغة العربية» می‌شود. همچنین، در چند بخش جداگانه با عنوان «الأخطاء الشائعة» با ارائه مثال‌های دقیق، انواع خطاهای نگارشی زبان‌آموزان بررسی شده که ذیل «الأخطاء الإملائية»، «الأخطاء الصرفية»، «الأخطاء النحوية» و «دلالة المفردات» طبقه‌بندی شده است. از آن جا که در پرداختن به انواع ساختارهای زبان عربی در این بخش به جنبه‌های نظری بسنده نشده و ظرافت‌های موجود در آن از گذر مثال‌های ساده و عینی تبیین شده است، بنابراین در افزایش توانش زبانی<sup>۲</sup> زبان‌آموز یا همان «مهارت بالقوة» وی در استفاده از زبان مقصد» (براون، ۱۹۹۴، ص ۴۴) اثرگذار خواهد بود؛ به این ترتیب که متوجه می‌شود یک عبارت یا متن چگونه است و

ساختارهای زبانی موجود در آن را درک می‌کند. «بردفیلد و لتابی» نیز بر این باورند که «واژگان و متون در گام نخست، هر یک نیازمند تمرکز و بررسی از سوی فراگیران است تا بتوانند از طریق تجزیه و تحلیل، نمونه‌هایی از ساختارهای زبانی به‌کار رفته در زبان مقصد را برای خودشان کشف کنند» (Bradfield & lethaby, 2010, p. 39). از این رو در بخش «وقفه مع قواعد الإنشاء» درس‌نامه‌هایی که به ذکر نمونه‌هایی از ساختارهای زبانی پرکاربرد عربی یا خطاهای نگارشی پربسامد زبان‌آموزان پرداخته است، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم توانش زبانی مخاطب و آشنایی وی با ساختارهای بررسی‌شده را افزایش می‌هد.

#### ۵-۵. تمرین‌های بخش «التدریبات»

در پایان متن هر درس، تمرین‌های مربوط به آن متن با عنوان «التدریبات» ارائه شده است. این بخش که در هر جلد از کتاب شامل ۱۲ تمرین است، رویه مشخصی را دنبال می‌کند. در «التدریب الأول» از زبان آموز خواسته شده است که ترکیب‌ها و تعبیرهای موجود در متن را استخراج کند. ماهیت این تدریب کمی مبهم به‌نظر می‌رسد، زیرا منظور از ترکیب‌ها و تعبیرها مشخص نشده است. آیا منظور همان ترکیب‌های زبانی است که در درس‌نامه مربوط به قواعد نگارش که در برخی از درس‌ها — و نه همه آن‌ها — بدان پرداخته شده است؟ ضمن اینکه زبان‌آموز — به‌ویژه مخاطبان جلد اول کتاب — حتی با این ساختارها آشنا نشده است؛ از این رو بدون پیش‌زمینه ذهنی چگونه می‌تواند دست به انتخاب و استخراج ترکیب‌های جدید بزند؟ این تمرین به شکل کلی مطرح شده و در سطح مطلوب ارزیابی نمی‌شود. در «التدریب الثانی» بدون فراهم آوردن بستر لازم، آخرین و دشوارترین مهارت زبانی یعنی «نوشتن» از زبان‌آموز خواسته شده است. در این نوع تمرین، علاوه بر وجود ابهام در صورت سؤال، همچنین انتظار اینکه زبان‌آموز در همان آغاز، یک سبک یا روش خاص داشته باشد، واقع‌بینانه به‌نظر نمی‌رسد.

«التدریب الثالث» نیز از دو جهت قابل نقد است؛ نخست اینکه آیا در هر یک از درس‌ها نام ترکیب‌های زبانی موجود در متن، به زبان‌آموز آموزش داده شده است؟ دوم اینکه آیا بستر آموزشی لازم برای جمله‌سازی یعنی تولید یک عبارت به زبان مقصد فراهم شده است؟ در پاسخ به سؤال اول می‌توان گفت در برخی از درس‌ها به تعدادی از ترکیب‌ها اشاره شده

است، اما این رویه در همه درس‌ها وجود ندارد، لذا نمی‌توان آن را پاسخ قانع‌کننده‌ای دانست (با در نظر گرفتن اینکه به عنوان مثال در جلد اول کتاب از مجموع ۱۰ درس، تنها در ۳ درس آخر به برخی از ساختارهای زبانی اشاره شده است، اما در تمرین‌های همه درس‌ها این تمرین وجود دارد).

تدریب چهارم و پنجم نیز با سطح علمی زبان‌آموزان همخوانی ندارد، زیرا بدون آموزش لازم، مهارت «نوشتن» از وی خواسته شده است.

با توجه به اینکه سؤالات «التدریب السّادس» در سطح واژه‌گزینی است و زبان‌آموز با تمرکز روی متن درس می‌تواند به سؤالات پاسخ کوتاه دهد، از این رو با سطح توانمندی زبانی متناسب است.

برای حلّ «التدریب السّابع» زبان‌آموز با اتخاذ رویکرد اکتشافی به بررسی متن می‌پردازد و آنچه را که در متن خوانده است، دوباره بازمی‌بیند. این فرایند ذهنی از منظر رویکرد شناختی آموزش زبان، مقدمه تثبیت اطلاعات آموخته‌شده نزد زبان‌آموز می‌شود، به همین دلیل این تمرین را می‌توان در سطح مطلوب ارزیابی کرد.

اما در «التدریب الثّامن» نویسنده کتاب بدون ایجاد آمادگی قبلی، آخرین مهارت زبانی یعنی نگارش را از زبان‌آموز می‌خواهد. در «التدریب الثّاسع» نیز همین حالت وجود دارد، به علاوه اینکه زبان‌آموز باید واژگانی را که برای اولین بار می‌بیند به شکل صحیح در کنار هم بچیند. از این رو با سطح توانمندی زبان‌آموزان مبتدی سازگار نیست.

در «التدریب الحادی عشر» از این جهت که واژگان موجود در تمرین، با آنچه در متن درس‌ها آمده است ارتباط چندانی ندارد و در آن از ساختارهای زبانی جدید و متفاوتی استفاده شده است، متناسب با سطح زبان‌آموز مبتدی به نظر نمی‌رسد و ممکن است در انتخاب این تمرین شتاب‌زده عمل شده باشد.

«التدریب الثّانی عشر» با یک شناخت اجمالی به معنای واژگان برای زبان‌آموزان قابل حل است. این تمرین بر اساس طبقه‌بندی شناختی بلوم<sup>۳</sup> در سطح کاربست<sup>۴</sup> قرار می‌گیرد که یکی از سطوح میانی شناختی و متناسب برای زبان‌آموزان با سطح مبتدی و متوسط است.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی در ارزیابی شکلی و ظاهری چنین استنتاج می‌شود که کتاب از نظر کاربست رنگ‌ها و نوع کاغذ در سطح مطلوبی قرار دارد. همچنین، نوع قلم و صفحه‌آرایی آن، دانشجویان و زبان‌آموزان را به خواندن متن راغب می‌کند. عنوان کتاب نیز واضح و گویاست، اما از نظر کاربرد صحیح علائم سجاوندی و الفاظ و تعابیر به کار رفته در آن اشتباهات فراوانی در متون و تمرین‌ها دیده می‌شود؛ لذا نیازمند ویرایش اساسی است تا دانشجویان و زبان‌آموزان از ابتدا به‌خوبی با کاربرد صحیح علائم سجاوندی، الفاظ، ترکیب‌ها و به‌طور کلی قواعد زبان عربی آشنا شوند.

بر اساس آنچه در مقدمه کتاب ذکر شد، این مجموعه با اتخاذ روشی هدفمند بر آن است تا بستر مناسبی برای تولیدهای زبانی توسط دانشجو (زبان‌آموز) فراهم آورد (فکری، ۱۳۹۷، ج. ۱/ص. ۱۱). در این راستا با توجه به اینکه مخاطبان اصلی کتاب، زبان‌آموزان فارسی‌زبان هستند که زبان عربی نزد آن‌ها به‌مثابه یک زبان خارجی است، اشاره به یک نکته مهم ضروری است که براساس نظریه یادگیری زبان از منظر شناختی، اصولاً تسلط بر مهارت نگارش هر زبان خارجی در اولین گام مستلزم این است که بستر لازم برای تولید ساختارهای زبان‌بینایی<sup>۵</sup> فراهم شود؛ بدین معنی که «ساختارهایی که یادگیرندگان زبان دوم تولید می‌کنند، کاملاً متأثر از زبان مادری ایشان می‌باشد، به نحوی که در برخی عناصر و ویژگی‌های زبانی مشابه زبان دوم و در برخی دیگر همانند زبان اول است» (Ellis, 1985, p. 47). به عبارت ساده‌تر، ساختار زبان بینایی همچون پلی است که میان زبان مبدأ (زبان‌آموز (در اینجا: فارسی) و زبان مقصد وی (عربی) ارتباط ایجاد می‌کند و تا زمانی که بستر لازم جهت تشکیل این ساختار زبانی ایجاد نشود، نمی‌توان انتظار داشت که زبان‌آموز در نگارش به زبان مقصد موفق عمل کند. ترجمه ساختارهای زبانی از زبان مبدأ (فارسی) به زبان مقصد (عربی) که در اصطلاح «تعریب» نامیده می‌شود، یکی از مؤثرترین راهکارهای افزایش توانمندی زبان‌آموز در تولید ساختارهای زبان‌بینایی است. همچنین، برای اینکه زبان‌آموز بتواند در فرایند تعریب به تدریج دچار خطاهای کم‌تری شود، می‌بایست از ساختارهای زبان مقصد (عربی) الگوبرداری و تقلید کند. نویسنده کتاب نیز در بخش مقدمه با نام بردن از روش تقلیدمحور «طریقه محاکاتیه» (فکری، ۱۳۹۷، ص. ۱۱) به‌طور ضمنی به این موضوع اشاره کرده است. همچنین، در برخی از درس‌نامه‌های موسوم به «وقفه مع قواعد الإنشاء» به شکل گذرا به برخی از مهم‌ترین الگوهای

ساختاری زبان عربی پرداخته شده است و چنانچه پیش از این گفته شد در افزایش میزان توانش زبانی زبان آموز مؤثر است، اما صرف ارائه ساختارهای زبانی به زبان آموز جهت آشنایی با زبان مقصد، برای تقویت کنش زبانی وی کافی نیست؛ از این رو، خلأیی مشهود که در این زمینه خودنمایی می کند این است که در تمرین های کتاب به عنوان اصلی ترین بستر برای ارائه تولیدات زبانی زبان آموزان، تمرین های مبتنی بر تعریب ساختارهای زبانی براساس الگوهای آموزش داده شده وجود ندارد.<sup>۷</sup> هرچند در برخی از تدریبات از زبان آموز خواسته شده که معادل برخی از تعبیرهای کوتاه را به زبان عربی ذکر کند، اما این تمرین نیز فاقد اثربخشی مورد نظر خواهد بود، زیرا براساس الگوی معینی طراحی نشده است. این در حالی است که در پاسخ به برخی از تمرین ها، زبان آموز باید دست به نوشتن جملات عربی جدید بزند و این دور از انتظار است، زیرا بستر لازم برای الگوبرداری وی از ساختارهای زبانی در کتاب فراهم نشده است.

همچنین با توجه به اینکه ارائه الگوهای زبانی به زبان آموز، نیازمند سلسله مراتب تدریجی از الگوهای ساده تا پیشرفته است، لذا در انتخاب متن درس ها نیز به عنوان اصلی ترین الگوهای زبانی که در پیش روی زبان آموزان قرار می گیرد باید این فرایند تدریجی رعایت شود، اما در مجموعه «الرائد» نه تنها این اصل مهم رعایت نشده، بلکه با انتخاب متونی که غالباً ادبی و دارای عبارت های نسبتاً دشوار هستند، فرایند بسترسازی جهت ایجاد ارتباط زبان آموز با ساختارهای پرکاربرد زبان عربی و الگوبرداری از آن دچار اختلال شده است. از این رو، با وجود همه موارد مثبتی که در تحلیل شکلی و محتوایی این مجموعه بدان اشاره شد، به نظر می رسد ایجاد بستر مناسب برای نگارش صحیح زبان آموزان که در مقدمه کتاب از آن سخن به میان آمده، با چالش های اساسی روبه رو است.

#### پی نوشت ها

۱. افزون بر موارد ذکر شده، تعداد فراوانی از اشتباهات نگارشی در زمینه تایپ حروف، فاصله گذاری و نشانه های سجاوندی، ایرادات نحوی و ... در کتاب وجود دارد که در این مختصر نمی گنجد.

2. language proficiency

3. Bloom's cognitive taxonomy

4. applying

5. interlanguage

۶. توانمندی فرد در تولید ساختارهای زبانی «کنش زبانی/ language performance» نامیده می شود (براون، ۱۹۹۴،

ص. ۴۶).

۷. در آموزش زبان خارجی، این نوع از تمرین‌ها به «تمرین الگو در ترجمه/*pattern practice*» شناخته می‌شود؛ برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به مقاله‌ی زارع (۱۳۹۹) با عنوان: «بررسی اثربخشی تمرین الگو در ترجمه بر پیشبرد مهارت نگارش عربی دانشجویان فارسی‌زبان» چاپ شده در مجله‌ی *جستارهای زبانی*.

### منابع

- آصف‌زاده، س. (۱۳۸۴). تحلیل انتقادی مطالعات پژوهشی در پزشکی، پژوهش در پزشکی. مجله‌ی پژوهشی دانشکده‌ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، ۳، ۱۹۵-۲۰۱.
- ابن عقیل، ب. (۱۴۲۹). شرح ابن عقیل علی الفیه ابن مالک. أربع مجلدات. قم: دارالغدیر.
- براون، د. (۱۹۹۴). *أسس تعلم اللغة وتعلیمها*. ترجمة ع. الراجحی و ع. أحمد شعبان. بیروت: دار النهضة العربیة للطباعة والنشر.
- جباب، ع. (۲۰۱۱). صعوبات تعلم القراءة والكتابة من وجهة نظر معلمی الصف الأول الأساسی. مجله‌ی *جامعة الأزهر بغزة*، ۱، ۱-۳۴.
- الجنزوری، ف.م. و عبدالغنی، ق.ز. (۲۰۱۱). بناء استبیان لقیاس صعوبات تعلم اللغة العربیة للطلاب غیر الناطقین بالعربیة. *مجلة التربية الإسلامیة والعربیة (مجلة محكمة دولیا علی الإنترنت)*، ۳، ۷۵-۸۶.
- حدادگر، ش. (۱۳۹۰). *لطفاً خوش‌رنگ زندگی کنید (رنگ و اثرات روان‌شناسی و فیزیولوژیکی)*. اصفهان: هشت بهشت.
- فکری، م. (۱۳۹۷). *الرائد فی تعلیم اللغة العربیة (کتاب الإنشاء)*. تهران: سمت / پژوهشکده‌ی تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی و دانشگاه امام صادق (ع).
- قراگزلو فرهاد، ز.، سلیمانی، ن.، و آرمند، م. (۱۳۹۶). نقد و ارزیابی کتاب‌های درسی پرکاربرد دانشگاهی رشته‌ی علوم ارتباطات براساس استانداردهای کتاب درسی دانشگاهی. *مجموعه مقالات اولین همایش ملی نقد متون و کتب علوم انسانی*، صص. ۲۳۵-۲۵۵.
- کعوان، م. (۲۰۰۱). *سلطنة النص فی دیوان البرزخ والسکین للشاعر عبد الله حمادی*. قسنطینة: منشورات النادي الأدبی.
- لوچر، م. (۱۳۶۹). *روان‌شناسی و رنگ*. ترجمه‌ی م. روانی‌پور. تهران: آفرینش.
- متقی‌زاده، ع. (۱۳۹۷). نقد و تحلیل محتوا در تراز کتاب‌های درسی دانشگاهی (مطالعه‌ی موردی: کتاب قواعد و متون عربی). *پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۴، ۲۱۷-۲۳۳.
- مجموع المؤلفین (۱۴۲۷ق). *المعجم الوسیط*. تهران: مکتبه‌ی المرتضوی.
- محمودی، م.ه.، و احمدی صفا، م. (۱۳۹۳). ارزیابی الگومحور کتاب‌های انگلیسی برای اهداف خاص (esp). *پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۳، ۱۱۳-۱۳۳.

- معروف، ی. و باقری، ب. (۱۳۹۱). جایگاه نمادین رنگ در ادبیات مقاومت، نمونه مورد پژوهانه: سمیع القاسم. *ادبیات پایداری*، ۶، ۴۷۷-۵۰۰.
- مقدسی، ح. (۱۳۷۲). *روان‌شناسی هنر برای کودکان عادی و استثنائی*. تهران: چاپار فرزندگان.
- نوریان، م. (۱۳۹۳). روش‌های ارزشیابی کتاب‌های درسی دانشگاهی مزایا و محدودیت‌ها. *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ۳۳، ۱-۱۷.

### References

- Bradfield, B., & Iethaby, C. (2010). *The Big Picture*. Oxford: Richmond.
- Ellis, R. (1985). *Understanding Second Language Acquisition*. Oxford university press.
- Jahangard, A. (2007). The evaluation of the EFL materials taught at Iranian public high schools. *Asian EFL Journal*, 1, 130-150.
- Khutorskoi, A.V. (2006) «The place of the textbook in the didactic system. *Russian Education and Society*, 48 (3), 78 - 93.
- Neill, R. (1982). Why Use Textbooks?. *ELT Journal*, vol. 36/2, 104-111.
- Tomlinsom, B. (2014), *Developing materials for Language Teaching* 'Quoted from: Hyland, K, *Materials for Developing Writing Skills*. Bloomsbury academic Press: London.

